

روضه‌های دهه اول محرم

محمدحسین فکور*

شب اول

امام رضا علیه السلام فرموده است: وقتی ماه محرم داخل می‌شد کسی پدرم را خندان نمی‌دید. امام رضا علیه السلام در روزهای آغازین محرم به «ریان» فرمود: «يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ بَاكِيًا لِمَنْ لَمْ يَكُنْ لِي فَابْكُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ؛^۱ ای ریان! هر مصیبتی داشتی، بر حسین گریه کن؛ زیرا او را همانند گوسفند سر بریدند.»

یا ابا عبدالله! شب اول محرم و آغاز سوگواری شماست. امام حسین علیه السلام کنار قبر جدش آمد و با پیامبر صلی الله علیه و آله وداع کرد و از مدینه بیرون رفت. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «یا رسول الله! وضعیتی ایجاد کرده‌اند که دیگر نمی‌توانم در مدینه بمانم.» مدینه، شهر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است.

اکنون کار به جایی رسیده که حسین دیگر نمی‌تواند بماند. تازه بیش از نیم قرن از

* پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

رحلت پیامبر نگذشته است.

نوشته‌اند: لحظاتی خواب به چشمان امام علیه السلام آمد، حضرت بیدار شد و فرمود: جدم رسول خدا را در خواب دیدم که مرا به سینه فشرد و فرمود: ما منتظر تو هستیم.^۱

امام حسین علیه السلام از مدینه با زینب و ام‌کلثوم و علی‌اکبر و قاسم و ابوالفضل بیرون رفت؛ اما چندان طول نکشید که این کاروان مجدداً به شهر بازگشت؛ ولی آن روز، دیگر امام حسین علیه السلام همراه کاروان نبود. ابوالفضل و علی‌اکبر نبودند. زینب پیر شده بود. زینب آمده بود تا پیام برادر را بیاورد. وقتی وارد مدینه شد، گفت: «مَدِينَةٌ جَدَّنَا لَا تَقْبَلِينَا...»^۲ مدینه ما را، راه نده؛ چون ما بی حسین آمده‌ایم.» حسین را در غریبی سر بردند

تن پاکش به خاک و خون کشیدند

تنش در کربلا عریان فتاده

سرش بر نیزه‌های کین فتاده

۱. همان، ص ۳۲۸.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۱۹۷.

۳. سیدبن طاوس، اللهوف، ص ۸۰.